

تصمیم‌گیری و سیاست‌سازی در هر زمینه نیازمند آرامش و ثبات است، به نظر می‌رسد که ما توجه چندانی به مفهوم پیشگیری نداریم و بیشتر در پی درمان هستیم. در مورد مرزها، این واقعیت به خوبی نمود دارد: درباره آن بخش از مرزهایمان اطلاعات بیشتری داریم که در آنها با مسایل و بحران‌هایی روبه‌رو شده‌ایم، مانند خطوط مرزی با عراق، یا مرزهای دریایی و جزایرمان در خلیج فارس. در مقابل، اطلاعات به نسبت کمتری راجع به مرزهای کشور در دیگر بخش‌ها داریم زیرا تاکنون در آنجا با مشکلات جدی برخورد نکرده‌ایم.

در این نوشتار در پی پاسخ دادن به این پرسش هستیم که نقش رودخانه هیرمند در امنیت جمهوری اسلامی چیست؟ در این زمینه، فرضیه‌ای طرح شده که با در نظر گرفتن نقش آب هیرمند بویژه در شرق کشور، این رود می‌تواند اثر بسیار چشمگیری بر امنیت ایران داشته باشد.

رودخانه مرزی هیرمند و اهمیت آن برای ایران

امروزه رودخانه‌های بین‌المللی جدا از نقشی که گاه بعنوان خط مرزی کشورها دارند، در زمینه‌هایی مانند صنعت و کشتیرانی و... نیز مورد توجه‌اند. بهره‌برداری از این رودخانه‌ها می‌تواند در پیشگیری یا رویارویی با بحران‌های برخاسته از افزایش تقاضا، ایجاد اشتغال در بخش‌های مرزی و جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان به شهرها، آبیاری دشت‌های مرزی و... مؤثر باشد. در سطح جهانی دستکم ۲۱۴ رودخانه وجود دارد که حوزه آبریز آنها در دو کشور یا بیشتر قرار دارد.^۱

نزدیک به ۷ درصد منابع آب ایران که کمابیش ۱۲ میلیارد متر مکعب در سال است، از حوزه‌های آبریز واقع در آن سوی مرزها است. از سویی، نزدیک به ۲۲ درصد از مرزهای کشورمان را ۲۶ رودخانه کوچک و بزرگ می‌سازند. گفتنی است که ایران با همه کشورهای همسایه دارای مرز رودخانه‌ای

امروزه یکی از دغدغه‌های فکری و علمی مسئولان هر کشور، تأمین امنیت مرزها در ابعاد گوناگون و بویژه امنیت اقتصادی و سیاسی است. کشورهای منطقه خاورمیانه نیز نسبت به این مقوله حساسیت‌های ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. ریچارد اسکوفیلد معتقد است در هیچ دوره‌ای از تاریخ مدرن خاورمیانه دولتهای این منطقه تا به این اندازه به داشتن مرزهای روشن و با ثبات علاقمند نبوده‌اند.^۱ با نگرشی کوتاه می‌توان دریافت که برخی از مهمترین نقاط حساس مرزی کشور بویژه از بُعد امنیتی در مناطقی جای دارند که به گونه‌ای با مسأله آب در ارتباطند. نمونه بارز در این زمینه، تجاوز رژیم عراق به خاک کشورمان بود. یکی از دلایل مهم عراق (برای تهاجم به ایران) اروتد رود و ادعاهای مربوط به آن بود. در این نوشتار تلاش شده است به بخشی از مرزهای شرقی کشور و رودخانه هیرمند که در واقع مرز آبی ایران و افغانستان است پرداخته شود. تا دو دهه پیش، این بخش بیشتر از جنبه داخلی و منطقه‌ای (در رابطه با افغانستان، پاکستان و حداکثر هند) اهمیت داشت؛ اما امروزه این منطقه در کل جغرافیای سیاسی آسیا حساسیت ویژه یافته است. شرق میانه ایران که جنوب خراسان و شمال استان سیستان را دربر گرفته، اهمیتی همچون کانون جبهه دارد زیرا به نظر می‌رسد که گرانیگاه ژئوپلیتیکی، سیاسی و نظامی آسیا، از اسرائیل به افغانستان و آسیای مرکزی در حال انتقال است.^۲ به هر روی این بخش از ایران اهمیت ویژه دارد و باید به گونه جدی مورد بررسی قرار گیرد. از یک دیدگاه آسیب‌شناسانه می‌توان به این واقعیت پرداخت که شوربختانه یکی از آفتهای فکری ایرانیان این است که در بیشتر موارد تنها زمانی به راه‌حل مسایل می‌اندیشند که مشکلات کمابیش به بحران تبدیل شده باشد. برای نمونه، می‌توان به مسأله تشبیت نرخ ارز در مقطع افزایش ویرانگر و غیرواقعی بهای انواع ارز، توجه به صادرات غیرنفتی پس از کاهش چشمگیر بهای نفت در سطح جهانی و... اشاره کرد. درحالی که

رودخانه هیرمند و چالش‌های پیش رو

دکتر بهنام ملکی

عضو هیات علمی دانشکده آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

بنا بر این رژیم آن برفی - بارانی و آب آن همیشگی، ولی جریان آب نامنظم است.^۷

در حوزه آبریز هیرمند میانگین ۲۵ ساله ریزش‌های جوی (از ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۲) ۱۰۷/۴ میلیمتر محاسبه شده، ولی در سال‌های اخیر میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۱۰۰ میلیمتر بوده است و از خشکترین نواحی کشور به‌شمار می‌آید. هیرمند در ردیف ۱۰ رودخانه بزرگ و با اهمیت قاره آسیا است و برای ایران اهمیت بسیار دارد. در واقع، هیرمند رگ زندگی سیستان بوده و حیات این استان با این رود ارتباط مستقیم دارد و از لحاظ اهمیت، با رود نیل در مصر قابل سنجش است. هیرمند همچنین منبع اصلی آب دریاچه هامون به‌شمار می‌رود. مقدار آبدهی آن به هامون به‌مراتب بیش از مجموعه رودخانه‌های دیگر است و در نتیجه کاهش آب هیرمند، از اهمیت اقتصادی دریاچه هامون نیز کاسته شده است، چرا که در گذشته، جدا از نقش مستقیمی که این رود در پیشرفت صنعتی و کشاورزی منطقه داشته، با تأمین آب هامون سبب رونق صنایع جانبی مانند ماهیگیری و صنایع دستی می‌شده است. همچنین، پس از ورود به ایران در سیستان، دلتای حاصلخیز و پر نعمتی را که زمانی «مصر ایران» نامیده می‌شده ایجاد می‌کرده است. امروزه کارایی و حاصلخیزی این منطقه به علت کمبود بارندگی و نیز کاهش آب‌های وارداتی به اندازه دلخواه نمی‌رسد و حتی با اقدامات افغانستان کار به جایی رسیده است که گاهی نیاز ساکنان منطقه به آب آشامیدنی را نیز تأمین نمی‌کند؛ البته نباید نقش بادهای محلی را نادیده گرفت. این بادهای با سرعت و گرمای زیاد، تسریع‌کننده تبخیر آب‌های سیستان به‌شمار می‌آیند. چنان که گفته شد، این رودخانه در طول مسیر به دو شاخه پریان و سیستان تقسیم می‌شود. شاخه سیستان بیشتر در ایران جاری است که دو سد انحرافی کهک و زهک در زابل با گنجایش آبیگری به ترتیب ۲۳ و ۴۵ متر مکعب در ثانیه^۸ روی آن ساخته شده است. آب این سدها می‌تواند حدود ۶۵ هزار هکتار از زمینهای جلگه سیستان را مشروب سازد.

است.^۴ با نگرش به موقع جغرافیایی - سیاسی و نیز وضع حوزه‌های آبریز و رودخانه‌های مرزی کشورمان درمی‌یابیم که بسیاری از مناطق صنعتی - کشاورزی بویژه مناطق استراتژیک از چگونگی بهره‌برداری از منابع آبی مشترک متأثر است. اهمیت این منابع، زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم کسانی که در سال ۱۳۷۳ از منابع آب مشترک بهره می‌برده‌اند ۷/۹ درصد جمعیت نواحی مرزی بوده‌اند و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۰۰ این رقم به حدود ۷۳ درصد افزایش یابد.^۵ این امر گویای لزوم فراهم آوردن امکانات زیستی بیشتر است که تهیه منابع آبی یکی از ملزومات جدی این روند خواهد بود.

هیرمند یکی از حساس‌ترین رودخانه‌های مرزی ایران است که از رشته کوه‌های هندوکش و بلندبهای بابایغما در ۴۰ کیلومتری باختر کابل سرچشمه می‌گیرد و از جنوب باختری کابل پس از پیوستن به رودخانه دیگری به نام ارغنداب، وارد دشت مارگو می‌شود و در ادامه کار در بند کوهک در ۳۶ کیلومتری جنوب خاوری زابل وارد خاک ایران (مرز دو کشور) می‌شود و از این نقطه به دو شاخه سیستان و پریان تقسیم می‌شود که شعبه سیستان به خاک ایران می‌آید. هیرمند حوزه آبریز پهناوری دارد که اندازه آن در حدود ۱۵۰ هزار کیلومتر مربع برآورد می‌شود. آبدهی آن در آغاز ورود به دشت در خاک افغانستان ۱۱ هزار و ۶۰۰ میلیون متر مکعب برآورد شده است که نیمی از این آبدهی پیش از رسیدن به مرز مشترک دو کشور، در خاک افغانستان با دو سد مخزنی که در ارغنداب و کجکی با گنجایش سه میلیارد متر مکعب ساخته شده است مهار می‌شود و اثر چشمگیری در آبادانی بخش‌های بیابانی افغانستان داشته است.^۶

درازای هیرمند تا پیش از انشعاب در نقطه مرزی، یک هزار و ۵۰۰ کیلومتر و در برخی منابع یک هزار و ۴۰۰ کیلومتر ذکر شده است. پهنای آن از ۲۰۰ تا ۹۰۰ متر تغییر می‌کند و گودی آن به ۳ تا ۴ متر می‌رسد. بارش در حوزه آبریز هیرمند اندک است و آب آن بیشتر از ذوب شدن برف در بلندبهای هندوکش تأمین می‌شود.

● شرق میانه ایران که جنوب خراسان و شمال استان سیستان را دربر گرفته، اهمیتی همچون کانون جبهه دارد زیرا به نظر می‌رسد که گرانیگاه ژئوپلیتیکی، سیاسی و نظامی آسیا، از اسرائیل به افغانستان و آسیای مرکزی در حال انتقال است.

برایه نظر «کمسیون دلنا» (که کارشناسانی از شیلی، کانادا و آمریکا در آن شرکت داشتند) آب مصرفی سیستان نسبت به دیگر مصارف که پس از سال ۱۹۵۰ ایجاد شود، مقدم بود. ایران به دلیل آنکه کمسیون، از اقدامات افغانستان پیش از ۱۹۵۰ چشم‌پوشی کرده بود، این نظر را نپذیرفت.^۱

با وجود اختلاف میان دو کشور، افغانستان در سال ۱۳۲۰ سد کجکی را در استان هلمند ساخت. با این کار اهالی سیستان زیر فشار قرار گرفتند و گرفتاریهایی به بار آمد. در نتیجه تلاش‌های گسترده دولت ایران، قراردادی در سال ۱۳۵۱ به امضاء رسید که بر پایه آن مقرر شد سالانه ۸۲۰ میلیون متر مکعب از آب رودخانه هیرمند وارد ایران شود. همچنین براساس جدول تنظیمی برای سال‌های پر آبی هیرمند، قرار شد ۲۶ متر مکعب در هر ثانیه از آب این رودخانه وارد ایران شود و در مقاطع کم آبی، سهم ایران کمتر از یک متر مکعب در ثانیه نباشد. نکته مهم آن است که در بند ج این قرارداد آمده بود: یک سال نرمال آبی، سالی است که کل آب هیرمند ۵۶۶۷۷ میلیون متر مکعب باشد. با این حساب درحالی که حق آب ایران بر پایه قرارداد ۱۹۳۷ یک دوم بود، طبق این معاهده، ۳/۵ برابر کمتر شد.^۲

بطور کلی یکی از انواع اختلافهای مرزی، از تعیین مکان دقیق مرز سرچشمه می‌گیرد که معلول یکی از دو مورد زیر است:

۱- تفسیرهای گوناگون و گاه متضاد از اسناد قانونی؛

۲- تغییر مکان مرز طبیعی.

با توجه به اینکه رودخانه هیرمند در طول سده‌های متمادی به دلایل گوناگون از جمله کم و زیاد شدن آب در منطقه سیستان تغییر مسیر داده است، اختلاف ایران و افغانستان بر سر این رود، از نوع دوم است.

جایگاه هیرمند در نظام امنیتی کشور

استان سیستان و بلوچستان با گستره‌ای نزدیک به ۱۸۱ هزار کیلومتر مربع در جنوب

در سالهایی که مقدار آب سیستان چشمگیر بوده، دریاچه هامون نیز همواره پر آب بوده و بر اثر وزش بادهای موسمی محلی، آب دریاچه - که کیفیت مناسبی نیز دارد - در زمین‌های پیرامون دریاچه پیشروی و به گونه‌ای این زمینها را آبیاری می‌کرده و بدینسان چراگاههای منطقه گسترش می‌یافته و منبع خوراک هزاران رأس دام منطقه فراهم می‌شده است؛ ولی امروزه که منطقه هامون دچار کم آبی است، مراتع اطراف دریاچه از میان رفته و در نتیجه دامپروری کاهش یافته است.

نگاهی حقوقی به هیرمند

پس از بسته شدن قرارداد پاریس در سال ۱۸۵۷ که به موجب آن ایران، دولت افغانستان را به رسمیت شناخت، اختلاف دو کشور بر سر آب رودخانه هیرمند پدید آمد. براساس بند ۶ قرارداد پاریس دوطرف پذیرفته بودند که انگلستان به هنگام بروز اختلاف، نقش میانجی داشته باشد. در سال ۱۸۷۳ برای نخستین بار ایران و افغانستان حل مشکل خود بر سر هیرمند را به انگلستان واگذار کردند. ژنرال گلد اسمیت، نماینده انگلستان پس از بررسی‌های فراوان اعلام کرد: «هر کاری که افغانستان بخواهد روی این رودخانه انجام دهد، باید با رضایت ایران باشد.» به علت پایبند نبودن افغانستان به رأی حکمیت، ایران بار دیگر در سال ۱۹۰۲ از انگلستان درخواست رسیدگی کرد ولی ایران نتیجه اقدامات مک‌ماهان نماینده انگلستان را نپذیرفت. اختلاف میان طرفین تا سال ۱۹۳۷ ادامه یافت. در آن سال ایران و افغانستان قرارداد کوهک را امضا کردند که بر پایه آن آب هیرمند از بند کمال‌خان به صورت نصف تقسیم می‌شد. جالب آنکه این قرارداد نیز به اجرا درنیامد. در سال ۱۹۳۷ قرارداد کابل به امضای طرفین رسید که در آن، گذشته از نکته یاد شده، مقرر شده بود افغانستان در اطراف بند کمال‌خان دست به کندن نهر نزنند و نیز هر یک از طرفین از اقدامی که موجب اختلال در جریان آب برای طرف دیگر شود، بپرهیزد.

● از يك دیدگاه آسیب شناسانه می‌توان به این واقعیت پرداخت که شوربختانه یکی از آفتهای فکری ایرانیان این است که در بیشتر موارد تنها زمانی به راه حل مسایل می‌اندیشند که مشکلات کمابیش به بحران تبدیل شده باشد.

سال ۱۹۹۴ این مقدار به ۴۵ متر مکعب در ثانیه رسید که تنها ۱۵ متر مکعب در ثانیه به منطقه سیستان ایران وارد می‌شد.^{۱۳}

آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۲ مجموع مصارف آبی حوزه هامون - هیرمند یک میلیارد و ۷۵ میلیون متر مکعب و از این مقدار ۱۴۰ میلیون متر مکعب آب زیرزمینی و ۹۳۵ میلیون متر مکعب آب سطحی بوده است. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت این حوزه در سال ۱۴۰۰ با فرض ادامه یافتن روند رشد کنونی به یک میلیون و ۲۱۶ هزار و ۷۲۸ نفر برسد. همچنین برآورد می‌شود که در این سال مقدار آب‌های منطقه یک میلیارد و ۷۳۲ میلیون متر مکعب باشد که از این رقم، یک میلیارد و ۵۳۸ میلیون متر مکعب سهم آب‌های سطحی و ۱۹۴ میلیون متر مکعب سهم آب‌های زیرزمینی خواهد بود. بنابراین با توجه به اینکه در این سال مصارف شهری و روستایی، کشاورزی، آشامیدنی و صنعتی در این حوزه حدود ۴ میلیارد و ۱۳۱ میلیون متر مکعب برآورد می‌شود، با کمبودی معادل ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون متر مکعب در این منطقه روبه‌رو خواهیم بود.

نکنه چشمگیری که می‌توان از این داده‌ها به‌دست آورد آن است که بیشترین منابع آبی کشور در این حوزه، آب‌های سطحی مانند رودخانه‌ها است که تأکیدی بر جایگاه ویژه هیرمند به‌شمار می‌آید. اگر بپذیریم که امروزه مفهوم قدرت در اذهان عامه تداعی کننده یک «قدرت سخت» (مانند تهدید، زور یا توان نظامی) است، شاید بتوان گفت از آنجا که در آینده نزدیک بویژه در مناطق کمابیش خشک جهان مانند خاورمیانه، دسترسی به منابع آبی یکی از فاکتورهای قدرت به‌شمار می‌آید و در واقع جنگ‌های دهه‌های آینده «جنگ آب» خواهد بود، کشوری که آب کافی با کیفیت خوب داشته باشد دارای گونه‌ای «قدرت نرم» خواهد بود، بویژه اگر سرچشمه رودهایی را در اختیار داشته باشد که میان چند کشور مشترک است. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که افغانستان در این مورد بویژه از نوعی مزیت نسبی برخوردار است. به

خاوری ایران، ۱۱/۴ درصد از کل مساحت کشور را تشکیل می‌دهد. تراکم جمعیت در منطقه سیستان ۳۳/۸ نفر در هر کیلومتر است. از سویی مسأله کم آبی یکی از موانع اساسی توسعه این استان به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، سیستان با افغانستان همسایه است که سالهاست گرفتاری بی‌ثباتی بوده و ناامنی‌های بسیار برای ایران به بار آورده است؛ از جمله مبارزه با قاچاق گسترده مواد مخدر، هزینه سنگینی بر دوش ایران نهاده است.^{۱۱} اگر دولت کنونی افغانستان مانند طالبان از ورود آب هیرمند به ایران جلوگیری کند،^{۱۲} آن‌گاه با مشکلاتی جدی روبه‌رو خواهیم شد، زیرا هیرمند به گونه‌ای جریان دارد که پس از آنکه کمابیش همه آب‌های افغانستان را گردآوری می‌کند، به سوی جنوب (ایران) می‌آید و دوباره از راه شیله شلاق به سمت افغانستان بازمی‌گردد و به گودزره می‌ریزد. میان گودزره و هیرمند تنها یک رشته کوه وجود دارد و اگر از زیر این کوه تونلی کشیده شود، همه آب هیرمند به سوی این گود، جاری خواهد شد و دیگر آبی به سمت ایران نخواهد آمد. در آن صورت سیستان فلج خواهد شد، آب‌های زیرزمینی سراسر بلوچستان و خراسان جنوبی پایین خواهد رفت و باید اهالی شهرها و روستاهای منطقه از آنجا منتقل شوند و این، آسیبی است سنگین و هراس‌آور.

گفتنی است که با به انجام رسیدن پروژه سد کمال خان نیز شاهد چنین وضعی خواهیم بود. مسأله کم شدن حجم ورودی آب هیرمند به کشورمان با توجه به این نکته که بر پایه داده‌ها، حوزه هامون - هیرمند در میان حوزه‌های آبی کشور دارای یکی از درازترین دوره‌های کم آبی (حدود ۸ سال) است، می‌توان به اهمیت فراوان موضوع پی برد. اقدامات افغانستان در سدسازی روی هیرمند به کاهش شدید میزان متوسط آب ورودی این رودخانه به ایران انجامیده است. میانگین دبی سالانه هیرمند در دهه ۱۹۹۰ از ۲ تا ۳ میلیارد متر مکعب برآورد شده بود. این دبی در سال ۱۹۹۰ معادل ۶ هزار متر مکعب و در سال ۱۹۹۳، ۳ هزار متر مکعب در ثانیه بود. در

● در حالی که تصمیم‌گیری و سیاست‌سازی در هر زمینه نیازمند آرامش و ثبات است، به نظر می‌رسد که ما توجه چندانی به مفهوم پیشگیری نداریم و بیشتر در پی درمان هستیم. در مورد مرزها، این واقعیت به خوبی نمود دارد: درباره آن بخش از مرزهایمان اطلاعات بیشتری داریم که در آنها با مسایل و بحران‌هایی روبه‌رو شده‌ایم، مانند خطوط مرزی با عراق، یا مرزهای دریایی و جزایرمان در خلیج فارس. در مقابل، اطلاعات به نسبت کمتری راجع به مرزهای کشور در دیگر بخش‌ها داریم زیرا تاکنون در آنجا با مشکلات جدی برخورد نکرده‌ایم.

بحران کم آبی در پایین دست (کشورمان) ایجاد کند یا با شهرسازی یا قطع درختان جنگلی احتمال طغیان رودخانه را افزایش دهد یا با تخلیه فاضلاب‌های شهری باعث آلودگی آب شود.

دریاچه هامون نقشی مستقیم در تنظیم اکوسیستم منطقه بازی می‌کند؛ از سوی دیگر هامون می‌تواند در گسترش چراگاهها و در پی آن توسعه دامداری، رونق کشاورزی، ماهیگیری و صنایع جانبی وابسته به این بخش‌ها، اثرگذار باشد.

باید توجه کرد که کاهش حجم دریاچه مشکلات مهمی در این زمینه ایجاد کرده و باعث شده است که هامون به چهار برکه جدا از هم تبدیل شود.^{۱۵}

کاهش چشمگیر آب آبیگر اصلی هامون که در مرز ایران و افغانستان قرار دارد و نیز افزایش میزان شوری آب دریاچه که معلول کاهش میزان آب ورودی به آن است، به مرگ پرندگان و آبریزان منطقه انجامیده است.

نتیجه:

برخی از صاحب‌نظران، تازه‌ترین جنبه امنیت ملی را امنیت منابع محیطی می‌دانند و در تحلیل ریشه‌های درگیری، در مقایسه با ملاحظات مربوط به امنیت محیط زیست، بر مسأله امنیت منابع تأکید بیشتری دارند.^{۱۶} با توجه به اهمیت و نقش رودخانه هیرمند، بویژه در زمینه توسعه و امنیت شرق کشور، برای جلوگیری از هرگونه رخداد ناگوار و بحران، باید بر اجرای قراردادهای امضاء شده میان دو کشور پافشاری کرد و موضع و سیاست روشن و قاطعی در این خصوص در پیش گرفت. نیز این نکته را باید در نظر داشت که هرگونه کوتاهی و بی‌توجهی نسبت به مسئله آب هیرمند پیامدهای منفی و زیانباری برای ایران خواهد داشت و در صورت ضعیف برخورد کردن، در عمل به اهرم فشاری تبدیل خواهد شد که در این شرایط حساس، می‌تواند آسیب‌پذیری کشور را افزایش دهد. از این رو منطقی به نظر می‌رسد که در برابر فشارها و چالش‌های بالقوه و بالفعل بعنوان نهاده‌های

سخن دیگر، جدا از افزون‌طلبی‌های احتمالی طرف مقابل که می‌تواند امنیت ما را از خارج تهدید کند، امنیت داخلی نیز با مخاطراتی روبه‌رو خواهد شد.

از سوی دیگر، هرچند تنش‌های قومی در میان ایرانیان بویژه در شرق کشور نادر است ولی باید پذیرفت که برخی کمبودها و فشارها و نیز برخی زمینه‌های بالقوه و بالفعل نارضایتی در منطقه، از جمله مسأله قاچاق مواد مخدر و... می‌تواند مشکل آفرین باشد. با توجه به کمبود شدید آب در استان، هیرمند نقشی حیاتی بخش برای باشندگان منطقه دارد و در واقع می‌توان آنرا عامل ثبات منطقه نامید؛ زیرا ضریب وابستگی سیستان به هیرمند تقریباً صددرصد است و هرگونه اختلال در جریان آب آن، زیان‌هایی جبران‌ناپذیر در پی خواهد داشت.

موضوع از دید زیست محیطی نیز درخور بررسی است. رژیم رودخانه‌هایی که به دریاچه هامون می‌ریزد نامنظم است و همین، سبب نوسانهای بسیار در میزان و گستره پوشش آب دریاچه در طول سالهای متمادی شده است. این نوسان طیفی معادل یک هزار و ۲۰۰ کیلومتر مربع در مقاطع کم آبی و تا ۳ هزار و ۲۰۰ کیلومتر مربع را در زمانهایی که موجودی آب منطقه بالا است، دربرمی‌گیرد. مساحت هامون ۴ هزار و ۶۰۰ کیلومتر مربع و گودی آن ۵ متر است.^{۱۷} در عین حال هامون بزرگترین دریاچه آب شیرین در فلات ایران است. این دریاچه در گذشته بزرگتر بوده و در سالهای اخیر روز به روز از حجم و دامنه آن کاسته شده است به گونه‌ای که از لحاظ اقتصادی بر همه چیز در محیط پیرامون خود اثر گذاشته است. دریاچه هامون و رودخانه هیرمند نه تنها یگانه منبع تأمین آب مورد نیاز برای آبیاری زمینهای کشاورزی شرق ایران است، بلکه در زندگی مردمان این بخش از کشور نیز نقشی بسزا دارد. موضوع بهره‌برداری روزافزون افغانستان از هیرمند، در حال تبدیل شدن به یک فاجعه زیست محیطی در ایران است. از سوی دیگر، افغانستان بعنوان کشور بالادست می‌تواند با مصرف بی‌اندازه آب،

● دریاچه هامون و رودخانه هیرمند نه تنها یگانه منبع تأمین آب مورد نیاز برای آبیاری زمینهای کشاورزی شرق ایران است، بلکه در زندگی مردمان این بخش از کشور نیز نقشی بسزا دارد. موضوع بهره‌برداری روزافزون افغانستان از هیرمند، در حال تبدیل شدن به یک فاجعه زیست محیطی در ایران است. از سوی دیگر، افغانستان بعنوان کشور بالادست می‌تواند با مصرف بی‌اندازه آب، بحران کم آبی در پایین دست (کشورمان) ایجاد کند یا با شهرسازی یا قطع درختان جنگلی احتمال طغیان رودخانه را افزایش دهد یا با تخلیه فاضلاب‌های شهری باعث آلودگی آب شود.

● باتوجه به اهمیت و نقش

رودخانه هیرمند، بویژه در

زمینه توسعه و امنیت شرق

کشور، برای جلوگیری از

هرگونه خدادنا گوار و

بحران، باید بر اجرای

قراردادهای امضاء شده میان

دو کشور پافشاری کرد و

موضع و سیاست روشن و

قاطع در این خصوص در

پیش گرفت. نیز این نکته را

باید در نظر داشت که هرگونه

کوتاهی و بی توجهی نسبت

به مسئله آب هیرمند

پیامدهای منفی و زیانباری

برای ایران خواهد داشت و در

صورت ضعیف برخورد

کردن، در عمل به اهرم

فشاری تبدیل خواهد شد که

در این شرایط حساس،

می تواند آسیب پذیری

کشور را افزایش دهد.

۵. همان، ص ۸۴.

۶. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۲.

۷. افشین، یدالله، رودخانه های ایران، جلد اول، تهران: شرکت مهندسان مشاور جاماب (وزارت نیرو) ۷۳، صص ۵۴۶-۵۴۷.

۸. کردوانی، پرویز، منابع و مسایل آب در ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۸۳.

۹. اسفندیاری، بهزاد، «هیرمند: از قرارداد پاریس تا قول کرزای»، روزنامه ایران، ۱۳۷۷/۷/۸۱، ص ۱۲.

۱۰. برای نمونه: «ایران در رابطه با کنترل مرزها نسبت به ورود مواد مخدر»، و تأثیر آن بر امنیت ملی ج. ۱۰۱ ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره ۲، (تابستان ۷۷)، ص ۱۵۱.

۱۱. «هیرمند، هامون و قراردادهای استعماری»، آب و توسعه، پیشین، ص ۲۵.

۱۲. کیوان حسینی، سیداصغر، «پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، سیاست دفاعی، شماره ۲۱-۲۰ (پاییز و زمستان ۱۳۷۶)، صص ۴۵-۴۶.

۱۳. قدرت نما، قهرمان، «منابع مصارف و نیازهای آبی در ایران حال و آینده»، آب و توسعه، پیشین، ص ۳۰.

۱۴. میرحیدر، دره، جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱، ص ۱۵۲.

۱۵. مجتهدزاده پیروز، «هیرمند و هامون در چشم انداز هیدروپولیتیکی خاور ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۰۲-۱۰۱ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶) ص ۳۳.

۱۶. مندلی، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، صص ۱۲۷-۱۲۶.

سیستم، ما نیز پس از سنجیدن ابعاد و جنبه های گوناگون مسأله، داده های متناسبی ارائه کنیم تا منافع ملی مان هر چه بیشتر تأمین شود.

گفتنی است که پس از فروپاشی طالبان، مقامات ایران در راستای حل و فصل مشکل هیرمند تلاش کرده اند. در این خصوص می توان به دیدار آقای خاتمی از افغانستان و سفر اخیر آقای حامد کرزای به ایران اشاره کرد که یکی از محورهای اصلی مذاکرات ایشان رودخانه هیرمند و چگونگی حل مشکلات موجود در رابطه با بهره برداری از این رودخانه بوده است. به هر روی به نتیجه رسیدن وعده های مساعد دولت افغانستان، نیازمند پیگیری های جدی و مستمر مقامات ایرانی (البته با استناد به مقررات و حقوق بین الملل و قراردادهای دوجانبه موجود) است.

پانویس:

۱. اسکوفیلد، ریچارد، «مناقشات مرزی در خلیج فارس»، گفت و گو، شماره ۲۱ (پاییز ۷۷) ص ۴۱.

۲. پابلی یزدی، محمدحسین، «اهمیت ژئوپلیتیکی شرق و شمال شرق ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۴۳. (زمستان ۷۵) صص ۲۴-۲۳.

۳. جهانی، عباسقلی، «چالش های مدیریت در سال ها و دهه های آینده»، آب و توسعه، سال ششم، شماره ۱۸-۱۹ (تابستان و پاییز ۷۷) ص ۱۰.

۴. کیان فر، محمد، «بحران آب از دیدگاه منابع مشترک»، همان، ص ۸۳.